

توضیح: این سند بعنوان طرح اولیه، بر مبنای تدقیق و تکمیل سند سیاسی مصوب کنگره ششم تدوین شده است. فصل‌های ارزیابی از جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه، موضع ما نسبت به اصلاح‌طلبان حکومتی و موضع ما نسبت به تمامیت‌گرایان و خشونت‌طلبان حکومتی بازنویسی شده، فصل‌های اهداف سیاسی، پیشنهادها و سیاست‌های ما، برای مهار بحران اقتصادی، ما و نیروهای اجتماعی جنبش، قانونیت و فعالیت علنی، آزاد و قانونی یا عینا و یا با تغییراتی جزئی آورده شده و فصل راستاها و راهکارهای سیاست‌های ما به سند مصوب کنگره ششم اضافه شده است. این سند هم به دلیل به‌پایان رسیدن مهلت ارائه سند و هم بنا بر ضرورت تکمیل و تلفیق با اسناد و نظرات همسو، طرح اولیه سند پیشنهادی است.

فریدین احمدی

۹ دی‌ماه ۱۳۸۰، ۳۰ دسامبر ۲۰۰۱

طرح اولیه پیرامون

اهداف سیاسی، پیشنهادها و سیاست‌های سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

اهداف سیاسی ما

سازمان ما، با تاکید مجدد بر مفاد دو سند مصوب کنگره پنجم سازمان تحت عناوین ((دیدگاه‌ها و آماج‌ها)) و ((برای دموکراسی و عدالت اجتماعی))، بار دیگر اعلام می‌کند که: سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مدافع دموکراسی، پیشرفت عدالت اجتماعی و سوسیالیسم... و مدافع حقوق بشر است و بر همین پایه علیه هر گونه ستم طبقاتی، ملی، جنسی، نژادی، مذهبی و عقیدتی مبارزه می‌کند.... کشور ما نیازمند حکومتی دموکراتیک در شکل جمهوری است. ما برای تحقق چنین هدفی مبارزه می‌کنیم، تلاش ما این است که این هدف از طریق مسالمت‌آمیز متحقق شود. در حکومت دموکراتیک دین رسمی وجود ندارد، دین و مکاتب فلسفی از دستگاه دولتی و آموزشی جدا است و آزادی وجدان و حق فعالیت سیاسی و اجتماعی پیروان عقاید و ادیان تامین می‌شود. سازمان سیاست‌های جاری خود را بر مبنای آرمان‌ها و اهداف سیاسی و بر پایه تحلیل اوضاع سیاسی کشور تدوین می‌کند.

ارزیابی از جنبش آزادی‌خواهانه و تحول‌طلبانه

تعمیق در جامعه، بن‌بست در حاکمیت

جامعه ما، در همه عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با بحران عمیقی روبروست. در عرصه سیاسی: خواست توده‌های میلیونی مردم برای ایجاد تحولات بنیادی سیاسی و مقابله دامن‌گستر در ابعادی ملی و فراگیر با حکومت دینی و مظاهر آن در برابر تلاش حکومتگران بویژه بخش محافظه‌کار آن برای سدکردن و سرکوب این خواست.

در عرصه اقتصادی: بیکاری وسیع، کاهش مداوم قدرت خرید دستمزد و حقوق‌بگیران، فقر و فلاکت فزاینده، تشدید شکاف طبقاتی و افزایش بی‌سابقه بی‌عدالتی اجتماعی، رانت‌خواری و فساد مالی و اقتصادی، تورم لجام‌گسیخته و رکود اقتصادی، تعطیل واحدهای تولیدی، ناتوانی در پرداخت دستمزد کارگران و ده‌ها نشانه دیگر.

و در عرصه اجتماعی: افزایش و گسترش بی‌سابقه ناهنجاری‌های اجتماعی همچون اعتیاد، خودکشی، افسردگی، روان‌پریشی، خشونت در خانواده و علیه زنان و کودکان، فساد گسترده در حکومت و دستگاه اداری و ...

از نمودها و نشانه‌های این بحران همه‌جانبه هستند.

روندهای سیاسی و اجتماعی در کشور ما بر زمینه و بستر این بحران‌ها شکل می‌گیرند و انکشاف می‌یابند.

در دوم خرداد ۱۳۷۶، خواست‌ها، جانفشانی‌ها و تلاش‌های بخش‌های مختلف مردم در کشور ما برای حقوق دموکراتیک و آزادی‌های فردی و اجتماعی، دوره تکوین و انباشت آرام اما عمیق و مداوم خود را طی کرد و در ابعادی توده‌ای و سراسری تجلی آشکار یافت. روندهای منتهی به دوم خرداد و سیر پس از آن تاکنون، نشانگر نفی هنجارها و سیاست‌های موجود با خصلتی فراگیر و ملی و بازتاب شکست قطعی جمهوری اسلامی در

تحلیل یک حکومت دینی به جامعه‌ای در حد معینی سکولاریزه شده در ایران بود. جمهوری اسلامی از نظر فرهنگی، در تحمیل الگوی رفتاری مطلوب خود، در فلسفه سیاسی و از نظر ساختار سیاسی مستقر با شکست مواجه شده است.

اینک در تداوم مبارزه دیرپای مردم ما علیه سنت‌گرایی و استبداد، برای آزادی و دموکراسی، پیشرفت و عدالت، استقرار حقوق و آزادی‌های دموکراتیک و مدنی مضمون تحولات سیاسی جاری کشور را تشکیل می‌دهد.

پایه و نیروی اجتماعی و طبقاتی این تحولات را پیشرفته‌ترین گروه‌های مردم از میان کارگران و زحمتکشان، روشنفکران و اقشار متوسط جامعه، و بخش گسترده فرهنگی، فکری، تخصصی جامعه تشکیل می‌دهد. در میان این نیروها نقش و موقعیت زنان و جوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چالش‌های این نیروهای عظیم اجتماعی برای حقوق دموکراتیک و خواسته‌های اقتصادی و اجتماعی خویش، جنبش برومند تحول‌طلبی و دگرگون‌خواهی را پدید آورده است. این نیرو طی سالهای اخیر خواسته‌های سیاسی خود را در قالب جنبشی اصلاح‌طلبانه به پیش برده است. اطلاق صفت اصلاح‌طلبانه نه ناظر بر اصلاح و حفظ وضع موجود که بر انتخاب شکل مسالمت‌آمیز تحول دلالت دارد.

اکثریت بسیار بالایی از مردم، در شرایط کنونی خواهان تحولات بنیادی سیاسی و دگرگونی ریشه‌ای روال و ساختار نظام سیاسی حاکم هستند.

جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه مردم علیرغم سرکوبگری‌ها و توطئه‌های جناح محافظه‌کار حکومت و مداخلات و واپس‌نشینی اصلاح‌طلبان حکومتی هم از نظر گستردگی پایگاه اجتماعی، هم از نظر ژرفی خواسته‌ها و اهداف و هم از نظر سطح آگاهی‌های سیاسی مردم، تعمیق و گسترش یافته است.

جنبش دگرگون‌خواهی و تحول‌طلبی بازتاب خود را به شکل ایجاد شکاف در حکومت و پیرامون آن و گسست بخشی از نیروهای مذهبی از روش‌های مرسوم در جمهوری اسلامی و پیدایی نیروهای اصلاح‌طلب دینی و حکومتی به نمایش گذاشت.

این نیروها در گشایش فضای سیاسی و فرهنگی و کاهش فشارهای اجتماعی دستاوردهایی داشتند و گام‌هایی به پیش برداشتند، اما در ادامه روند آنها به دلیل پایبندی به ولایت فقیه، ارجح شمردن منافع حکومت اسلامی بر منافع جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه و دیدگاه محدود نسبت به امر دموکراسی و جامعه مدنی نتوانستند همپا با حد رشد جنبش در جامعه و نیازهای آن گام بردارند.

پس از انتخابات مجلس ششم و تسلط اصلاح‌طلبان حکومتی بر قوه مقننه، انتظار بسیاری از مردم این بود که آنها با در اختیار داشتن دو قوه مجریه و مقننه گام‌های جدی‌تری برای پیشبرد اصلاحات و وعده‌های داده شده بردارند. اما این اصلاح‌طلبان که از مقطع جنبش دانشجویی ۱۸ تیر ۷۸ و در هراس از ازکف‌دادن کنترل امور، ((فشار از پائین)) اتکا به حرکت‌ها و اعتراضات و تشکل‌های مردمی را در بهترین حالت وانهادند و تنها به چانه‌زنی در بالا در پشت درهای بسته روی آورده بودند، گام به گام در برابر تعرضات گستاخانه ولایت فقیه و نهادهای وابسته به آن عقب نشستند. اکنون شکست تاکتیک‌های سیاسی آنان همچون ((آرامش فعال))، بن‌بست پروژه سیاسی مردم‌سالاری دینی به معنای استقرار دموکراسی در عین حفظ حکومت دینی و ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، و ناتوانی اصلاح‌طلبان حکومتی در پاسخگویی به نیازهای جنبش اصلاحات به امری آشکار تبدیل شده است.

اکنون جامعه و جنبش نیرومند آزادی‌خواهی و تحول‌طلبی آن، موضوع ناهمخوانی ساختار سیاسی حاکم بر کشور با سطح رشد و بالندگی فرهنگ و نهادهای عرفی و مدنی را به چالش اصلی تبدیل کرده است. تضاد اعمال اراده مردم در برابر اراده ولی فقیه و تضاد دموکراسی با حاکمیت ولایت فقیه به مثابه بنیاد اندیشه سیاسی جمهوری اسلامی عنیت و وحدت یافته است. تغییر ساختار سیاسی و در نتیجه تغییر قانون اساسی به نیاز مبرم جامعه، به‌گام ضرور و کیفی برای تعمیق اصلاحات و به مسالهای که جامعه حل آن را در دستور نهاده فرا روئیده است.

راست‌ها و راهکارهای سیاسی ما

رفراندوم برای تغییر قانون اساسی

رفراندوم به مثابه شکل مسالمت‌آمیز اعمال اراده ملی، هر زمان در فضای سیاسی کشور ظنین نیرومندی‌تری می‌گیرد.

سازمان ما در پاسخ به نیاز مبرم جامعه به تغییر قانون اساسی، می‌کوشد نیروی سیاسی - اجتماعی هرچه بیشتری حول شعار رفراندوم برای تغییر قانون اساسی گرد آید. در دوره آتی، سازمان ما سیمای سیاسی خود

را با طرح هرچه گسترده‌تر این خواست محوری ترسیم خواهد کرد.

پیشبرد اهداف سیاسی، بدون اعمال نیرو ناممکن است. جنبش تحول‌جویانه و اصلاح‌طلبانه شایسته است همه اشکال مسالمت‌آمیز اعمال اراده و نیرو را بکار گیرد تا دشمنان آزادی و مردم سالاری را به عقب‌نشینی وادارد. اشکال مختلف مقاومت و نافرمانی مدنی، راهپیمایی و تظاهرات گسترده، اعتصابات سراسری، تجمع‌ها و گردهم‌آیی‌های گوناگون و دیگر انواع حرکت‌های اعتراضی و ابتکاری مردم، شیوه‌ها و ابزارها هستند که جنبش آزادیخواهانه و تحول‌طلبانه نمی‌تواند از آن‌ها چشم‌پوشد و بر آنها متکی نشود. سازمان ما بر این نظر است که باید بر این نوع حرکت‌های اعتراضی مردمی اتکا نمود و تلاش کرد که آن‌ها در راستای اهداف سیاسی و دموکراتیک واحدی سمت یابند.

سازمان ما راه‌حل‌ها و پیشنهادهای سیاسی خود را براساس تحلیل اوضاع سیاسی و سمت‌گیری‌های سیاسی - اجتماعی خود اتخاذ می‌کند و می‌کوشد سیمای یک سازمان چپ، دموکرات، نوگرا و سکولار را در مواضع سیاسی خود بازتاب دهد. در عین حال از اقدامات و مواضع سایر نیروها و جریان‌های سیاسی که در راستای منافع مردم و مصالح جنبش آزادیخواهانه و تحول‌طلبانه می‌کوشند، پشتیبانی می‌کند و در راه ایجاد هماهنگی، توافق و ائتلاف می‌کوشد.

- تلاش در راستای تقویت تاثیر و ثقل نیروی سوم، نیروهای خارج از جناح‌های حکومتی و ایجاد زمینه‌های تشکیل آلترناتیو دموکراتیک،

- کوشش در جهت همگرایی و اتحاد نیروهای چپ و آزادی‌خواه،

- تقویت مواضع اصلاح‌طلبان پیگیر و رادیکال در میان اصلاح‌طلبان اسلامی

از راستاها و مولفه‌های سیاست سازمان ما را تشکیل می‌دهد.

ولایت فقیه و نهادهای وابسته به آن، محافظه‌کاران و تمامیت‌گرایان جمهوری اسلامی به عنوان مانع اصلی توسعه سیاسی، پیشرفت جامعه و تامین منافع مردم، کماکان آماج اصلی افشاگری‌ها و سیاست‌های ما هستند.

هر اقدام واقعی اصلاح‌طلبان حکومتی در راستای توسعه سیاسی و پیشبرد اصلاحات مورد پشتیبانی سازمان ما خواهد بود. ما در عین حال فقدان اراده و برنامه در میان این نیرو برای پیشبرد جدی اصلاحات و نیز قربانی‌کردن مصالح مردم و جنبش اصلاح‌طلبانه به پای مصالح نظام و حفظ ساختار و مناسبات موجود را صریح و آشکار مطرح کرده مورد انتقاد قرار خواهیم داد.

پیشنهادهای و سیاست‌های ما برای پیشبرد اصلاحات

اصلاحات آری، ولایت‌فقیه نه!

- تامین آزادی بی قید و شرط بیان، قلم، مطبوعات، اجتماعات، تظاهرات و تامین آزادی‌های اجتماعی و فردی و لغو ممنوعیت‌ها در این زمینه.

- تامین آزادی فعالیت احزاب سیاسی، سندیکاها، کارگری، تشکلهای مستقل زنان و دانشجویان و تشکلهای دموکراتیک.

- تامین حق برابری زن و مرد و لغو کلیه قوانین و مقررات ضدزن و تامین آزادی پوشش.

- ممنوعیت شکنجه جسمی و روحی و لغو کلیه قوانین جزائی اسلامی نظیر سنگسار، قصاص، حد و لغو تبعیضات مذهبی.

- آزادی کلیه زندانیان سیاسی، اعلام منع پیگرد همگانی و رفع موانع بازگشت مهاجرین.

- لغو نظارت استصوابی و انحلال نهادهای گزینش، دادگاه ویژه روحانیت، دادگاه‌های انقلاب و تامین مشارکت برابر حقوق همه شهروندان در حیات سیاسی کشور.

- حق دسترسی کلیه شهروندان به اخبار و اطلاعات.

- پیروی از سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز بین ملل و کشورهای مختلف جهان و تلاش برای ایجاد و تحکیم رابطه دوستانه و برابر حقوق با تمامی کشورهای جهان و بخصوص ممالک منطقه.

برای تعمیق اصلاحات سیاسی و فرهنگی ضروری است قانون اساسی بر پایه موازین دموکراسی و حقوق بشر تغییر یابد، ساختار سیاسی دموکراتیک جایگزین ساختار سیاسی ولایت فقیه گردد، همه ارگان‌های سیاسی

بطور مستقیم و یا غیرمستقیم از سوی مردم در انتخابات آزاد برگزیده شوند، قوانینی که ناقض حقوق بشر است، ملغی و اصول ناظر بر حقوق بشر پایه تغییر قانون اساسی اعلام گردد و نظام قضائی بر مبنای عرف و اصول دموکراتیک بازسازی شود. مجازات اعدام لغو گردد.

- انجام رفراندوم برای تغییر قانون اساسی در راستای تامین مضامین فوق.

برای مهار بحران اقتصادی

و بهسازی زندگی مردم

برای برون رفت از بحران اقتصادی و ساماندهی اقتصاد کشور، تغییر ساختار اقتصادی از طریق پیشبرد برنامه توسعه امری است ضرور. ما خواهان پیشبرد آن برنامه توسعه‌ای هستیم که بر تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، گسترش دموکراسی، بهسازی زندگی مردم و تامین عدالت اجتماعی مبتنی باشد. اصلاحات سیاسی شرط رشد اقتصادی است اما در عین حال همزمان با اصلاحات سیاسی ضروری است اقدامات مناسب جهت مهار بحران اقتصادی و بهبود زندگی مردم صورت گیرد. در این راستا ما اقدامات زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

- سرمایه‌گذاری در بخش مولد صنعتی، تکنولوژی، پژوهشی و کشاورزی در کلیه مناطق کشور مورد تشویق و حمایت قرار گیرد و موانع موجود در این عرصه برطرف شود.
- برنامه‌ریزی برای جلوگیری از متورم شدن بیشتر سرمایه‌های تجاری - دلالی و سرمایه‌های سرگردان و سرازیر شدن آنها بسوی بخش‌های مولده جامعه اتخاذ گردد.
- برقراری رابطه اقتصادی با تمامی ملل و دولت‌های گیتی با در نظر داشت منافع ملی.
- بنیاد مستضعفان، آستان قدس رضوی و دیگر نهادهای مشابه آن تحت نظارت و هدایت دولت قرار گیرد و از آنها مالیات اخذ گردد.
- رانت‌های اقتصادی حذف و کمک‌های اقتصادی به جریان اسلامی در دیگر کشورها قطع گردد.
- نهادهای موازی در هم ادغام شود و نهادهای زاید و هزینه‌زا منحل گردد.
- از اهرم مالیاتی، بودجه‌گذاری و سوبسید برای افزایش قدرت خرید اقشار کم‌درآمد و کاستن از فاصله فقر و ثروت بهره‌گیری شود.
- دستمزد کارگران و کارمندان در شرایط بحران اقتصادی کنونی، از طریق افزایش آن به میزان تورم سالانه، تثبیت شود.
- تدابیر ضرور برای کاهش بیکاری در کشور اتخاذ گردد.
- درمان و بهداشت همگانی تامین و از صندوق‌های بیمه، بازنشستگی و سازمان‌های تامین اجتماعی حمایت شود و سیاست‌های ضرور برای حذف واسطه‌ها و دلال‌ها اتخاذ گردد.

ما و نیروهای اجتماعی جنبش

آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه

نخبگان فکری، فرهنگی، تخصصی کشور، جنبش‌های دانشجویی، کارگری، زنان و جوانان، نویسندگان و هنرمندان، مطبوعات مستقل و منتقد، خلق‌های محروم از حقوق ملی و فرهنگی و مدافعان محیط زیست، نیروهای اجتماعی جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه کشور هستند. ما در مبارزه برای پیشبرد اصلاحات سیاسی و فرهنگی بر این نیروها تکیه داریم. رئوس سیاست‌های ما در قبال این نیروها عبارتند از:

- دفاع از آزادی و ضرورت وجود مطبوعات مستقل و منتقد و حمایت از مبارزه روزنامه‌نگاران کشور برای تامین آزادی بیان و عقیده در برابر مدافعان جامعه تک‌صدایی و پیشبرد همکاری با آنها.
- حمایت از خواسته‌های جوانان و نوجوانان، مشارکت و فعالیت آنها در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور، دفاع از آزادی فعالیت گروه‌های دانشجویی با دیدگاه‌ها و گرایش‌های سیاسی متفاوت، از تامین استقلال جنبش دانشجویی از حکومت و جناح‌های حکومتی.
- دفاع از نویسندگان، هنرمندان و فرهنگ‌سازان در مقابل اقدامات سرکوبگرانه و حمایت از تشکل‌های مستقل آنها بویژه کانون نویسندگان.
- مبارزه علیه مقررات ضدزن، فرهنگ مردسالاری و مبارزه برای تامین حق برابری زن و مرد و دفاع از ایجاد تشکل‌های مستقل زنان.
- کوشش در جهت تقویت پیوند جنبش کارگری با جنبش آزادی‌خواهانه و اصلاح‌طلبانه، حمایت از مبارزات و مطالبات صنفی کارگران و از تلاش فعالان کارگری برای ایجاد سندیکاها مستقل.
- مبارزه با هرگونه ستم ملی، فرهنگی و مذهبی علیه اقلیت‌های ملی و مذهبی در کشور، حمایت از خواسته‌های دموکراتیک و وحدت‌طلبانه جنبش‌های ملی، تقویت تفاهم و اتحاد بین همه خلق‌های ایران به منظور تقویت جنبش برای توسعه سیاسی کشور که زمینه‌ساز تحقق فدرالیسم و عدم تمرکز در کشور است.
- مبارزه برای حفظ محیط زیست و تلاش برای فرارویاندن آن به یک جنبش فراگیر.

قانونیت و فعالیت علنی، آزاد و قانونی

ما از قانونیت مدنی و برابری همه شهروندان در مقابل قانون دفاع می‌کنیم و معتقدیم که قوانین باید بر پایه حقوق بشر و حقوق دموکراتیک مردم و توسط نهادهای منتخب مردم تدوین شود و حق نافرمانی مدنی هر شهروند علیه قوانین غیردموکراتیک و ناقض حقوق بشر و علیه کاربرد قهر برسمیت شناخته شود. ما لازمه پیشرفت اصلاحات سیاسی و فرهنگی در کشور را در آن می‌دانیم که جنبش جاری آزادیخواهی و اصلاح‌طلبی در قالب احزاب و سازمان‌های سیاسی و تشکل‌های دموکراتیک متشکل شود و حضور سیاسی آنها شکل قانونی بخود بگیرد. به نظر ما دولت ملتزم است حق فعالیت آزاد احزاب سیاسی را تامین نماید و شرایط فعالیت قانونی ما و سایر نیروهای سیاسی را فراهم آورد. بعنوان گام اصلی برای تامین شرایط فعالیت قانونی احزاب سیاسی ضروری است با تصویب قوانینی حق فعالیت سیاسی مخالفین حکومت، اپوزیسیون، به رسمیت شناخته شود. سازمان برای دستیابی به فعالیت علنی، آزادانه و قانونی در ایران تلاش میکند و اقدامات خود را متناسب با پیشروی جنبش آزادیخواهانه و اصلاح‌طلبانه، گشایش فضای سیاسی و تغییر توازن قوا به زیان نیروهای تمامیت‌گرا و خشونت‌طلب پیش می‌برد.